■ عبد العال ، مهران عبد الله .

الجملة واستعمالاتها في لغة العرب . ـ

القاهرة : كلية اللغة العربية جامعة

الأزهر ، ١٩٨٢ م ، ماجستير . ـ

إشراف محمد أحمد محمد . (١٩٨)

Cümle

21 HAZIRAN 1996

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKUMAN

MECELLETU'L-EZHER, C. 56 ,
(sayı 4), s. 643-49 , 1983 KAHİRE.

-cumle (845)

للدكتور محمد زين العابدين حسن سلامة

وقد وقع مثل هذا الترتيب فى القرآن قال تعالى «أَأَنتَ فَعَلْتَ هَذَا بِآلِهَتِنَا يَا إِبْرَاهِيمُ»(١) «أَأَنتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمِّيَ إِلَٰهَيْنِ مِن دُونِ اللَّهِ» (٢) . فالحدث قد وقع فعلا ، فقد كسرت الأصنام ، وقد قيل للناس اتخذوا عيسى وأمه الهين ، ولكن الاستفهام الانكارى منصب على المسند اليه ، فهو محل التساؤل ، أما هذا الترتيب فى الأسلوب مع النفى فلم يقع فى القرآن الكريم(٣) .

ب ــ الجمل المثبتة التى اشتملت على فعل مضارع لها صورتان :

الصورة الأولى : تبدأ بالمسند يليه المسند اليه ، تقول : يذهب على ، وهذه الصورة هى الكثيرة الشيوع ، ولا يكاد يعرض للمضارع فيها تغيير ــ فلا تلحقه علامة تثنية أو جمع فى المشهور ، وقد تلحقه علامة تأنيث وقد لا تلحقه ، على تفصيل يعرف فى باب الفاعل فى النحو .

الصورة الثانية : أن يتقدم المسند اليه ، تقول : على يذهب ، وحينئذ يجب أن نعد الجملة جملة اسمية ، والمضارع حينئذ يجب مطابقته للمسند اليه .

د ــ الجملة المضارعية المنفية :

والصورة الشائعة لهذه الجملة فى ترتيبها هى : أداة النفى فالمسند فالمسند اليه ، تقول : لم يحضر على ، وهذه جملة فعلية ، وينـدر أن يسبق فيها المسند اليه المسند ، مع تقدم أداة النفى على الجمع(٤) ، أما اذا توسطت أداة النفى بين المسند اليه والمسند ، نحو : محمد لا يلعب فى الحديقة ، فهذا استعمال كثير ، ويعد هذا الاستعمال جملة اسمية ، وذهب د/ ابراهيم أنيس ، الى أن مثل هذه الجملة لا تعد من الناحية اللغوية جملة منفية ، بل هى كالمثبتة تماما (٥) .

الاعتراض بين جزأى الجملة :

الاعتراض فى الجملة الواحدة ورد فى النصوص الصحيحة بالجمل الدعائية ــ مثل : ويل له ، لا فض فوه ، رحمه الله ، أيده الله ، وبالقسم والشرط والنداء والجار والمجرور والظرف .

على أن النحاة حين يعرضون للفصل بين

---

١ ــ الانبياء ٦٣ .
٢ ــ المائدة ١١٦ .
٣ ــ من أسرار اللغة ٣١٢ ــ ٣١٣ .
٤ ــ المرجع السابق ٣١٧ .
٥ ــ من أسرار اللغة ٣١٦ .

MECELLETU'L-EZHER, C. 56 ,
(sayı 3), s.472-81 , 1953 KAHİRE.

الجملة النحوية

نشأة ونظامًا ونظمًا

دراسة الجملة لم تنل حظها من الدراسة والبحث والتحقيق ، مثل ماحدث لبعض الفرعيات كالفاعل والمبتدأ والخبر والمشتقات وغيرها .

فلم نر كتابا واحدا يختص بدراستها ويتوفر على مباحثها كلها غير أن هناك بعض الاشارات أو التعريفات جاءت منثورة على صفحات كتب النحو عند بعض الأوائل ، ثم تقسيمات واعرابات عند بعض الأواخر ، وعلى رأسهم ابن هشام : فى كتابه المغنى ، وكان هذا مختلطا بالآراء النحوية المتباينة ، تائها بين الخلافات الاعرابية مفرقا فى كتب النحو والبلاغة .

وبقيت دراسة الجملة تتردد على هذا النحو فى العصور المختلفة ونحاول فى هذا البحث أن نقدم دراسة عن الجملة النحوية : نشأة ونظاما ونظما .

يتقدم هذا كمدخل : التعرف على معنى الجملة لغة .

حد الجملة

فالجملة لغة : الجماعة غير المنفصلة وجماعة كل شىء : بكماله من الحساب وغيره : يقال : أجملت له الحساب والكلام . والجملة واحدة الجمل(١) .

وقد استخدم ابن بابشاذ الجملة فى هذا المعنى اللغوى فقال : « وأما قولنا : فجملة الأسماء الظاهرة عشرة أنواع(٢) .

كما جاءت الجملة فى القرآن الكريم بمعنى الجمع قال الله تعالى : « **وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً** »(٣)

بعد ذلك ننتقل الى عناصر البحث الثلاثة :

النشأة : أى كيف نشأت الجملة عند النحاة ؟

النظام : أى ما ترتيب أجزائها ونظامها ؟

النظم : أى كيف تختار مادة نظمها ؟

نشأة الجملة :

والمقصود بها الظاهرة التاريخية لدراسة الجملة فى كتب النحاة ، واطلاق هذا المصطلح على كلام معين .

عند نحاة البصرة :

لم يعرف هذا المصطلح عند نحاة البصرة ولم ينقل عنهم . فنرى سيبويه لم يستعمل هذا

(١) انظر مادة (جمل) فى الصحاح ، والقاموس ، واللسان ، والتاج ، والمصباح المنير ، والمعجم الوسيط ، ومعجم مقاييس اللغة .
(٢) الجملة النحوية فتحى الدجن : ١٦
(٣) سورة الفرقان : ٣٢ .

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN (Sayfa 030652)
19 Temmuz 2016

محمد، *الطبقات الکبری*، بیروت، ۱۳۷۷ق/۱۹۵۷م؛ ابن شبّه، عمر، *تاریخ المدینة المنورة*، به کوشش فهیم محمد شلتوت، بیروت، ۱۴۱۰ق/۱۹۹۰م؛ ابن عبدربه، احمد، *العقد الفرید*، به کوشش احمد امین و دیگران، قاهره، ۱۳۵۹ق/۱۹۴۰م؛ ابن عربی، محمد، *العواصم من القواصم*، به کوشش محب الدین خطیب، دمشق، دارالبشائر؛ ابن عساکر، علی، *تاریخ مدینة دمشق*، به کوشش علی شیری، بیروت، ۱۴۱۵ق/۱۹۹۵م؛ ابن فورک، محمد، *مجرد مقالات الشیخ ابی الحسن الاشعری*، به کوشش د. ژیماره، بیروت، ۱۹۸۷م؛ ابن ملاحمی، محمود، *الفائق فی اصول الدین*، به کوشش ویلفرد مادلونگ و مارتین مکدرموت، تهران، ۱۳۸۶ش؛ ابن ندیم، *الفهرست*؛ ابن هشام، عبدالملک، *سیرة النبی (ص)*، به‌کوشش محمدمحیی‌الدین عبدالحمید، قاهره، المکتبة التجاریة؛ ابوزرعهٔ دمشقی، عبدالرحمان، *تاریخ*، به کوشش شکرالله قوچانی، دمشق، ۱۴۰۰ق/۱۹۸۰م؛ ابوالصلاح حلبی، *تقریب المعارف*، به کوشش فارس تبریزیان حسون، قم، ۱۴۱۷ق/۱۹۹۷م؛ ابوالقاسم تیمی، اسماعیل، *الخلفاء الاربعة*، به کوشش کرم حلمی فرحات، قاهره، ۱۹۹۹م؛ ابوقحطان، خالد، «سیرة» (تک: هم، *السیر و الجوابات*، ج ۱)؛ ابوالمؤثر، صلت، «سیرة» (تک: هم، *السیر و الجوابات*، ج ۲)؛ ابویعلی موصلی، احمد، *مسند*، به کوشش حسین سلیم اسد، دمشق، دارالمأمون؛ احمد بن حنبل، *العلل و معرفة الرجال*، به کوشش وصی الله عباس، بیروت، ۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م؛ همو، *مسند*، بولاق، ۱۳۱۳ق؛ اشعری، علی، *مقالات الاسلامیین*، به کوشش هلموت ریتر، ویسبادن، ۱۴۰۰ق/۱۹۸۰م؛ *الامامة و السیاسة*، منسوب به ابن قتیبه، به کوشش طه محمد زینی، قاهره، ۱۳۸۸ق/۱۹۶۹م؛ بخاری، محمد، *صحیح*، بیروت، ۱۴۰۱ق/۱۹۸۱م؛ بستی، اسماعیل، *البحث عن ادلة التکفیر و التفسیق*، به کوشش ویلفرد مادلونگ و زابینه اشمیتکه، تهران، ۱۳۸۲ش؛ بسیاتی، علی، «سیرة السؤال» (تک: هم، *السیر و الجوابات*، ج ۲)؛ بلاذری، احمد، *انساب الاشراف*، به کوشش سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، ۱۴۱۷ق/۱۹۹۶م؛ بهرامیان، علی، «اصحاب حدیث و مسئلهٔ تاریخ نیم سدهٔ نخست هجری»، *نامهٔ پژوهش*، تهران، ۱۳۷۶ش، س ۱، ش ۴؛ بیهقی، احمد، *الاعتقاد*، به کوشش سید جمیلی، بیروت، ۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م؛ تفتازانی، مسعود، *شرح العقائد النسفیة*، به کوشش محمد عدنان درویش، دمشق، ۱۴۱۱ق؛ جاحظ، عمرو، *العثمانیة*، به کوشش عبدالسلام محمد هارون، قاهره، ۱۳۷۴ق/۱۹۵۵م؛ جعفر ابن حرب، *مسائل الامامة*، به کوشش یوزف فان اس، بیروت، ۱۹۷۱م؛ خطیب بغدادی، احمد، *تاریخ بغداد*، قاهره، ۱۹۴۹م؛ *خلاصة النظر*، به کوشش حسن انصاری و زابینه اشمیتکه، تهران، ۱۳۸۵ش؛ خلیفة بن خیاط، *تاریخ*، به کوشش سهیل زکار، دمشق، ۱۹۶۰م؛ دینوری، احمد، *الاخبار الطوال*، به کوشش عبدالمنعم عامر، قاهره، ۱۳۷۹ق/۱۹۵۹م؛ ذهبی، محمد، *سیراعلام النبلاء*، به کوشش شعیب ارنؤوط و دیگران، بیروت، ۱۴۰۴ق/۱۹۸۴م؛ زهری، محمد، *المغازی النبویة*، به کوشش سهیل زکار، دمشق، ۱۴۰۱ق/۱۹۸۱م؛ سعد بن عبدالله اشعری، *المقالات و الفرق*، به کوشش محمد جواد مشکور، تهران، ۱۹۶۳م؛ سید مرتضی، علی، *الذخیرة*، به کوشش احمد حسینی، قم، ۱۴۱۱ق؛ همو، *الشافی فی الامامة*، به کوشش عبدالزهرا حسینی خطیب، تهران، ۱۴۱۰ق؛ همو، *الفصول المختارة*، قم، ۱۴۱۳ق؛ «سیرة السؤال فی الولایة و البرائة» (تک: هم، *السیر و الجوابات*، ج ۱)؛ *السیر و الجوابات*، به کوشش سیده اسماعیل کاشف، عمان، ۱۴۰۶ق/۱۹۸۶م؛ شریف رضی، محمد، مقدمه بر خطبهٔ ۲۳۱ *نهج البلاغة*، به کوشش صبحی صالح، قم، دارالهجرة؛ شماخی، احمد، *السیر*، به کوشش احمد سیابی، عمان، ۱۴۰۷ق/۱۹۸۷م؛ شهرستانی، محمد، *الملل و النحل*، به کوشش محمد سید کیلانی، بیروت، دارالمعرفه؛ طبرانی، سلیمان، *المعجم الکبیر*، موصل، ۱۴۰۰ق/۱۹۸۰م؛ طبری، *تاریخ*؛ طوسی، محمد، *الاقتصاد*، به کوشش محمد کاظم موسوی، قم، ۱۴۳۰ق؛ همو، *تجرید الاعتقاد*، به کوشش ابراهیم موسوی زنجانی، بیروت، ۱۳۹۹ق/۱۹۷۹م؛ همو، *الخلاف*، قم، ۱۴۰۷ق؛ همو، *فهرست*، به کوشش عبدالعزیز طباطبایی، قم ۱۴۲۰ق؛ همو، *المبسوط*، به کوشش محمدتقی کشفی، تهران، ۱۳۸۷ق؛ عضدالدین ایجی، عبدالرحمان، *المواقف*، بیروت، عالم الکتب؛ علامهٔ حلی، حسن، *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، به کوشش ابراهیم موسوی زنجانی، بیروت، ۱۳۹۹ق/۱۹۷۹م؛ همو، *نهج‌الحق*، به کوشش فرج‌الله حسنی، بیروت، ۱۹۸۲م؛ علی صالح احمد، *خطط البصرة و منطقتها*، بغداد، ۱۴۰۶ق/۱۹۸۶م؛ قاضی عبدالجبار، *تثبیت دلائل النبوة*، به کوشش عبدالکریم عثمان، بیروت، دارالعربیه؛ مسعودی، علی، *مروج الذهب*، به کوشش شارل پلا، بیروت، ۱۹۶۶م؛ مفید، محمد، *الارشاد*، قم، ۱۴۱۳ق؛ همو، *الافصاح*، بیروت، ۱۴۱۴ق/۱۹۹۳م؛ همو، *الجمل*، به کوشش علی میر شریفی، قم، ۱۴۱۳ق؛ نامی، عمرو خلیفه، *دراسات عن الاباضیة*، ترجمهٔ میخائیل خوری، بیروت، ۲۰۰۱م؛ نجاشی، احمد، *رجال*، به کوشش موسی شبیری‌زنجانی، قم، ۱۴۰۷ق؛ نسفی، میمون، *تبصرة الادلة*، به کوشش کلود سلامه، دمشق، ۱۹۹۰م؛ *نهج البلاغة*؛ واقدی، محمد، *المغازی*، به کوشش مارسدن جونز، لندن، ۱۹۶۶م؛ یاقوت، *بلدان*؛ یعقوبی، احمد، *تاریخ*، به کوشش هوتسما، لیدن، ۱۹۶۹م؛ نیز:
Madelung, W., *The Succession to Muḥammad*, Cambridge, 1997.

علی بهرامیان

جُمْله، در لغت به معنی همه و همگی چیزی است (صفی‌پوری، *آنندراج*، نفیسی)، و در اصطلاح دستور زبان فارسی صورتی از کلمه یا ترکیبی از کلمات است که مستقل و دارای معنای تمام باشد؛ بدین‌معنا که جزئی از گروه بزرگ‌تری به شمار نیاید و برای تمام شدن معنی نیازمند گروهی دیگر نگردد (خانلری، ۲۳۵).

دستورنویسان سنتی در تعریف جمله و تسمیهٔ ارکان و انواع آن تحت تأثیر نحو عربی و منطق ارسطویی بوده‌اند؛ چنان‌که میرزا حبیب اصفهانی که پیشرو دستورنویسی نوین محسوب می‌شود، با تلقی «کلام» از «جمله» آن‌را نسبت میان دو کلمه (= مبتدا و خبر) تعریف کرده است که مطلبی را به تمام و کمال برساند، بدان‌گونه که گوینده در انتظار شنیدن سخنی دیگر نماند (ص ۳۱). پس از او طالقانی از «جمله» به «لفظ مرکب تام» تعبیر می‌کند، و جملهٔ مصدّر به اسم را، اسمیه، و جمله‌ای را که با فعل آغاز می‌شود، فعلیه می‌نامد (ص ۱۴۹، ۱۵۹). ادامه دهندگان راه مانند مشکور (ص ۲۲۰)، خیام‌پور (ص ۲۳-۲۴)، ذوالنور (ص ۱۶)، وزین‌پور (ص ۱۸۷)، شریعت (ص ۲۵۴) و احمدی گیوی و انوری (ص ۲۴۶) نیز جمله‌ها را بر حسب آنکه دارای فعل عام و یا فعل خاص باشند، به اسمیه و فعلیه تقسیم کرده‌اند.

کاشف اجتماع چند قضیه (= کلام) را جمله نامیده (ص ۲۵۷)، و قریب از جمله به «بیان حکم و خیال دربارهٔ کسی یا چیزی» تعبیر کرده است (ص ۱۵). در *دستور زبان فارسی* معروف به دستور پنج استاد (ص ۲۱۳) ارکان جمله را مسندالیه (= محکوم علیه یا موضوع) و مسند (محکوم به یا محمول) دانسته‌اند، و بنابرآنکه فعل جمله مثبت یا منفی باشد، جمله را موجبه یا سالبه خوانده‌اند. معین (ذیل جمله) ارکان جمله را مسندالیه، مسند و رابطه می‌داند. شماری از دستورنویسان سنتی جمله را «مجموعهٔ کلمات» دانسته، و به جنبهٔ معنایی آن یعنی «بیان حکم و رساندن مقصود» بیشتر توجه داشته‌اند (نک: حبیب اصفهانی، ۴؛ *دستور زبان فارسی*، نیز ذوالنور، همانجاها؛ مشکور، ۲۲۱)، ولی متأخران

دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۸ ، تهران، ۱۳۹۳ .
ISAM 246041